

خرده فرهنگ‌ها و هم‌چنین تنوع قومی و بحث هم‌جواریشان، انسان‌شناسان را برآن داشت تا از حوزه کلاسیک که مربوط به قلمرو جغرافیایی اقوام ابتدایی و بومی بود، به جوامع پیچیده یعنی جامعه شهری توجه کنند. کتاب انسان‌شناسی شهری اثر ریچارد بشام از آثار انسان‌شناسی شهری است که تحت تأثیر همین تحولات نگاشته شده و از آثار خواندنی و قابل توجه به شمار می‌آید.

اگر زمان تقریبی شکل‌گیری انسان‌شناسی شهری (۱۹۴۰) را تا به حال (۲۰۰۳) به سه دوره دو دهه‌ای تقسیم کنیم، اثر بشام به دوره دوم یعنی دو دهه میانی مربوط می‌شود که موضوعات خاصی را مورد توجه قرار می‌دهد و تفاوت‌هایی با دو دهه دیگر دارد.

کتاب مذکور حاوی هشت فصل است. فصل اول کتاب، به روند شکل‌گیری انسان‌شناسی شهری و روش‌شناسی کلاسیک انسان‌شناسی و چگونگی انطباق آن با محیط شهری می‌پردازد. کانون اصلی توجه در کتاب بشام، در همین فصل و فصل آخر کتاب نهفته است به همین دلیل برای آشنایی و بررسی این شاخه تخصصی سعی خواهد شد بر این فصول تأکید بیشتری شود.

بشام ریشه‌های شکل‌گیری انسان‌شناسی شهری را با تغییرات به وجود آمده پس از جنگ جهانی دوم مرتبط می‌داند. با ظهور جنگ جهانی دوم و تغییرات عمده در کشورهای جهان و بسرچیده شدن امپراطوری‌های استعماری و استقلال کشورهای تحت استعمار، تغییرات عمده‌ای در رویکرد مطالعاتی انسان‌شناسی به وجود آمد. با جنگ جهانی دوم و تغییرات سریع در سراسر جوامع بشری انسان‌شناسان روند مطالعاتی خود را که ابتدا موسوم به جوامع ابتدایی بود، تغییر دادند و به واقعیت‌های زندگی اجتماعی مدرن توج

نامه انسان‌شناسی

دوره اول، شماره دوم، پائیز و زمستان ۱۳۸۱

صص. ۱۷۱-۱۷۸

Urban Anthropology, Richard Basham,
Sydney, MayField Publishing Company,
1980.

انسان شناسی شهری، ریچارد بشام، سیدنی، می‌فیل
پابلیشینگ کامپانی، ۱۹۸۰.

سید قاسم حسینی *

انسان‌شناسی شهری، به عنوان تخصصی ویژه در انسان‌شناسی فرهنگی، پس از جنگ جهانی دوم یعنی هنگامی مطرح شد که وضعیت اقتصادی - سیاسی جدید سبب رشد گسترده و انفجار آمیز شهرها نه فقط در مناطق توسعه یافته بلکه در مناطق در حال توسعه جهان نیز شده بود. این فرایند نیمی از جمعیت جهان را به طور مستقیم به درون مراکز شهری سوق داد و منجر به گسترش بی‌نظمی اجتماعات و بازسازمان‌یافتگی اشکال اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی و به وجود آمدن خصوصیت فرهنگی جدید شد. در واقع این نوع شهرنشینی که شکل مدرنی از شهرنشینی بود، برحسب اصول کاملاً متفاوتی سازمان یافته و با اصولی که در دوران پیشین، شهرهای ماقبل مدرن را از روستاها جدا می‌کرد، تفاوت داشت.

تغییر و تحول به وجود آمده در شهرها و افزایش و رشد سریع جمعیت‌های شهری در شهرهای مدرن و پی‌آمدهای فرهنگی، اجتماعی و ظهور خصوصیات فرهنگی جدید و

* کارشناس ارشد انسان‌شناسی

انسان‌شناسان شهری انجام گرفته، پرداخته است. از نکات قابل توجه کتاب بشام پاسخ روش‌شناختی او برای مطالعه در شهرهاست. وی پس از معرفی دو روش پایه‌ای و اساسی انسان‌شناسی که عبارتند از مشاهده مشارکتی^۱ و کل‌گرایی^۲ سولاتی در مورد به‌کار بردن این روش‌شناسی در گستره جامعه شهری مطرح می‌کند. برای مثال بشام این پرسش را پیش می‌کشد که با توجه به آن‌که روش‌شناسی انسان‌شناسی برای مطالعه بر جوامع کوچک و عناصر و اطلاع‌رسان‌های محدودی طراحی شده است، گذر به شهر با پیچیدگی و تنوع و فراونی عناصر آن چگونه امکان‌پذیر خواهد بود؟ آیا گستره و حجم بزرگ شهر سبب نخواهد شد که مطالعه انسان‌شناس شهری سطحی و کم عمق شود؟ بشام، برای پاسخ به این سؤالات و به کاربردن روش‌شناسی دقیق که به تحریف واقعیت جامعه شهری منجر نشود، کاربرد شیوه خاصی را در روش‌شناسی توصیه می‌کند. به اعتقاد او این روش‌شناسی، در متن، ماهیت و ذات انسان‌شناسی نهفته است. انسان‌شناس با این تمهید روش‌شناختی است که می‌تواند یک متن یا یک پدیده را مورد بررسی دقیق قرار دهد. تمهید روش‌شناختی توصیه شده توسط بشام برای بررسی متن شهری، محدود کردن حوزه میدانی و انتخاب یک زمینه فرهنگی مشخص در جامعه کلان شهری است.

او معتقد است بخش‌بخش کردن حوزه‌های شهری و گنجاندن حوزه‌ها در قالب محله یا زمینه فرهنگی با محدوده مشخص، می‌تواند تمهیدی باشد برای به کارگیری روش‌شناسی پایه‌ای انسان‌شناسی در متن شهری. او معتقد

کردند. این مطالعات از دهه‌های چهل و پنجاه میلادی قرن بیستم آغاز شد و انسان‌شناسان به نقش شهرها که در جهان امروز باعث تغییرات عمده‌ای در شیوه زندگی و شکل‌گیری تعاریف فرهنگی جدید شده‌اند، توجه کردند. بشام نقش تغییر و جهان‌شمول شدن تغییر پس از جنگ جهانی دوم و بی‌آمدهای تغییر را در شکل‌گیری این شاخه از علم انسان‌شناسی، مهم می‌داند.

افزون بر این، وی به نگرش ضد استعماری توجه کرده و اضافه می‌کند که این نگرش در کشورهای تازه به استقلال رسیده، به دلیل مهاجرت و اقامت تعداد کثیری از نخبگان بومی کشورهای غربی برای آموزش در دانشگاه‌های غربی بود. در خلال این سفرها، حقیقتی برای آن‌ها مکشوف شد که برای آن‌ها ناراحت‌کننده بود. آن حقیقت، این بود که علم انسان‌شناسی، مردمان موسوم به «ابتدایی» را مورد مطالعه قرار می‌دهد، به این دلیل که اغلب انسان‌شناسان در همین محیط‌های استعماری به مطالعه می‌پرداختند، این مکان‌ها عموماً موطن این نخبگان بود و در عوض، علم جامعه‌شناسی، جوامع متعذر و غربی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. پیوند انسان‌شناسی با مردمان «ابتدایی» به این تفکر منجر شد که تداوم حضور انسان‌شناسان غربی را در این کشورها نوعی توهین قلمداد کنند و دست به تغییری در نگرش خود نسبت به انسان‌شناسی بزنند و به این ترتیب پارادایم انسان‌شناسی را از محدوده حوزه ابتدایی و ساده خارج کرده، به حوزه جوامع پیچیده و شهری گسترش دهند.

همان‌گونه که ذکر شد، فصل اول و آخر کتاب بشام معرفی انسان‌شناسی شهری و روش‌شناسی این شاخه از انسان‌شناسی است. بقیه فصل‌ها به موضوعات این شاخه تخصصی و تحقیقاتی که در قالب این موضوعات توسط

^۱ participant observation

^۲ holism

رسید که به دیگر خانواده‌هایی که در موقعیت مشابه این خانواده زندگی می‌کنند، قابل تعمیم باشد. خانواده سانچز، حاشیه‌نشینان مکزیکوسیتی از مطالعات لوئیس با این روش تکمیلی است و لوئیس توانست با این روش‌شناسی مسئله فرهنگ فقر را ارائه دهد. او فرهنگ فقر را منعکس کننده وجود محرومیت‌های اقتصادی، نابسامانی اجتماعی یا فقدان یک پدیده یا یک حالت خاص نمی‌داند بلکه علاوه بر این‌ها وضعیت و حالتی مثبتی می‌داند که سودمندی‌هایی دربردارد و بدون آن، شخص فقیر به سختی می‌تواند در شرایطی که برای او وجود دارد به زندگی بپردازد، در واقع فرهنگ فقر از دیدگاه لوئیس، روشی از زندگی است و بهترین مکان برای مطالعه این فرهنگ را محله فقیرنشین شهری می‌داند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، روش تکمیلی در یک متن شهری با زمینه فرهنگی مشخص در کتاب بشام به خوبی معرفی می‌شود و خواننده را با نحوه به کار بردن آن با یک مثال‌واره آشنا می‌سازد.

همان‌گونه که گفتیم انسان‌شناسی شهری سه دوره دوده‌های را تا به حال پشت سر گذاشته است. نسل‌های انسان‌شناسی شهری در طی دوره‌های مختلف موضوعات متفاوتی را مورد مطالعه قرار می‌دادند.

نسل اول انسان‌شناسی شهری که متعلق به دو دهه اول یعنی دهه‌های چهل و پنجاه بود. در پی یافتن بقایای زندگی روستایی در شهر بود. این نسل را می‌توان در نزد انسان‌شناسان مکتب منچستر دید که در پی یافتن قبایل و قبیله‌گرایی در شهرهای آفریقای مرکزی بودند و حتی مفهوم باسازی قبیله‌ای^۶ را ابداع کردند.

دو دهه دوم یعنی دهه‌های شصت و هفتاد قرن بیستم تا حدود سال ۱۹۸۰، نسل دوم

است در حوزه شهری، محققین انسان‌شناس باید مطالعات اجتماعی سطح میانه‌ای را جستجو کنند که هم روش مشاهده مشارکتی و هم روش کل‌گرایی در آن قابل به‌کارگیری باشد. بشام در فصل آخر کتاب خود روش‌های تکمیلی را برمی‌شمارد که همراه با روش‌شناسی پایه‌ای می‌توانند در مطالعات شهری مورد استفاده قرار گیرند. روش‌های تکمیلی ارایه شده در فصل آخر کتاب بشام عبارتند از: اتنوگرافی خردشهری^۳، فن معناشناسی قومی و فن شبکه‌ای^۴، مصاحبه‌های رسمی، اتنوگرافی کلان شهری^۵، ...

وی در فصول دیگر کتاب که به موضوعات انسان‌شناسی شهری مرتبط است، به‌کارگیری این روش‌های تکمیلی را با ذکر نمونه‌هایی تشریح می‌کند. در واقع او از یک طرف موضوعات انسان‌شناسی شهری را در این فصول معرفی می‌کند و از طرفی دیگر روش‌شناسی تکمیلی را با بسط موضوع در هر بخش نشان می‌دهد. به عنوان مثال در فصل پنجم کتاب، یکی از انسان‌شناسان مشهور به نام اسکار لوئیس با توجه به موضوع در متن شهری با روش‌شناسی تکمیلی معرفی می‌شود که می‌تواند مثال موردی در این باره باشد. کار عمده لوئیس، مطالعه فقر شهری و فرهنگ فقر بود. وی برای مطالعه این موضوع از فن زندگی‌نامه استفاده می‌کرد. لوئیس معتقد بود با به‌کارگیری این روش در یک متن شهری می‌توان به یک معنی واقعی دست یافت. مثلاً برای بررسی و مطالعه عمیق یک خانواده از طریق این روش می‌توان به معنی واحد مؤثری

³ urban micro ethnography

⁴ network

⁵ urban macro ethnography

⁶ retribalization

اهمیت مطالعات انسان‌شناسی شهری در ایران برای انسان‌شناسی شهری در ایران هیچ پیشینه‌ای نمی‌توان ردیابی کرد. در مقایسه با دامنه گسترده ادبیات این رشته در آمریکا و اروپا، هنوز به‌رغم اهمیت مطالعات شهری در ایران به دلیل دگرگونی‌های به وجود آمده شهری در سال‌های اخیر و وجود خصوصیات فرهنگی و اشکال گوناگون آن، بررسی و شناخت آن از این منظر مورد توجه قرار نگرفته است و زمینه وسیعی را جهت کار برای انسان‌شناسان و محققان نسل‌های کنونی و آتی عرضه می‌کند. برای روشن کردن اهمیت انسان‌شناسی شهری در مطالعات شهرهای ایران، لازم است نگاهی اجمالی به دلایل مطالعه از چند زاویه داشته و از این چند منظر اهمیت مطالعه این رشته در شهرهای ایران را اجمالاً روشن کرد.

شهرهای ایران از خصوصیتی منحصر به فرد برخوردارند. منشاء توسعه و تکامل شهرهای ایرانی دلایل گوناگونی داشته است. بسیاری از این شهرها بر حسب کارکردهای ویژه‌ای به وجود آمده‌اند. و هنوز تحت تأثیر همان کارکردها و با ترکیبی از عناصر بیرونی قرار دارند و بر رفتارها و خصوصیات فرهنگی مؤثرند. از ویژگی‌های عمده‌ای که شهرهای ایران متأثر از آن هستند، تنوع و پراکندگی تحت تأثیر زمینه‌های فرهنگی، قومی، اقلیمی است. این امر خصوصیات و اشکال گوناگونی از فرهنگ شهری را به وجود آورده و بر ساخت کل شهر تأثیر گذاشته است.

الف - تأثیر زیست شهری بر اشکال زیستی دیگر

با مدرن شدن جامعه ایرانی به خصوص در زیست شهری و منشاء تغییر در این زیست، اشکال زیستی دیگر تحت تأثیر این زیست قرار

انسان‌شناسی، موضوعات اصلی انسان‌شناسی در گذشته را، در شهر جستجو می‌کردند. در این دوره، شهر به مفهوم عام کلمه مورد توجه نبود، اکثر انسان‌شناسان شهری این دوره مسایل خاصی هم‌چون مهاجرت، خویشاوندی، قشربندی اجتماعی، سازگاری و نحوه سازگاری مهاجران، نقش‌های اجتماعی و غیره را در شهر جستجو می‌کردند.

آغاز نسل سوم انسان‌شناسی شهری از حدود ۱۹۸۰ میلادی است که انسان‌شناسان شهری، علایق‌شان را به تمامی جنبه‌های زندگی شهری معطوف کردند. برای انسان‌شناسی شهری این دوره آنچه اهمیت دارد، خصوصیات فرهنگ شهری^۷ و ویژگی‌های شکل‌های گوناگون زندگی در شهر مورد مطالعه است این انسان‌شناسی دیگر به دنبال پدیده‌های زندگی روستایی و کوچ‌نشین یا مسایل دیگر از این دست در شهر نیست.

کتاب انسان‌شناسی شهری بشام را باید متعلق به دوره دوم دانست. با رجوع به فصول دوم به بعد، بشام موضوعات خاص انسان‌شناسی را در شهر جستجو می‌کند. موضوعاتی هم‌چون مهاجرت از روستا به شهر، عوامل دفع و جذب، خویشاوندی در شهر، طبقه، کاست و قومیت در جوامع شهری.

با این وصف اثر بشام، اثر قابل توجهی است و از آثار کلاسیک انسان‌شناسی شهری به شمار می‌آید. نحوه پرداخت و زبان شیوا و گویای وی از شروع تا پایان کتاب و توجه جامع‌نگر و کامل او را چه به لحاظ نظری، تاریخی و روش‌شناختی و چه به لحاظ موضوعی و مثال‌واره‌ای در جای کتاب می‌توان دید. در این جا می‌توان نگاهی نیز به موضوع شهری در ایران داشت.

⁷ urban culture

خصوصیت فرهنگی نوعی پویش درونی به وجود می‌آورد. اما تغییرات در شهرها در چند دهه اخیر، منجر به گسست و انقطاع شهر با این گذشته شده و شالوده‌های کهن ارتباطات درون شهری و معماری و به طور کلی طرح و بافت نظام اجتماعی فرهنگی از هم گسسته شده است. (حیبی، ۱۳۷۸)

عناصر جدید که در شهرهای ایران وارد شده، بر شیوه زندگی شهری تأثیر گذاشته و شهرهای ایران را به سمت سبک مدرن سوق داده که خواه ناخواه این سبک جدید بر رفتار مردم تأثیر گسترده‌ای داشته است. انسان‌شناسی شهری سعی دارد یک دیدگاه انسان‌شناختی برای مطالعه زندگی شهری در فضا و زمان سبک جدید شهرها نسبت به فضا و زمان سبک قدیم شهرها به دست دهد و تغییرات و تحولات این انتقال را مورد کنکاش قرار داده و نفوذ و تأثیر شهرها بر الگوی سبک جدید زندگی مردم را مورد بررسی قرار دهد. در واقع انسان‌شناسی شهری سعی دارد با مطالعه تطبیقی زندگی شهری در زمان و مکان در این دو سبک به نتایج مفیدی دست یابد.

پ - مهاجرت روستایی

یکی دیگر از پدیده‌هایی که در چند دهه اخیر می‌توان در شهرها مشاهده کرد روانه شدن سیل گسترده‌ای از جمعیت روستایی و عشایری به شهرها و در پی آن افزایش جمعیت شهری است. فروپاشی شیوه‌های تولیدی سنتی در جامعه ایرانی که نقطه اوج آن به اصلاحات ارضی در دهه چهل برمی‌گردد به عنوان نقطه عطفی در روند شهرنشینی در ایران قابل بررسی است. این روند شهرنشینی از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۰، نرخ جمعیت شهری را ۳۴/۵ درصد به ۵۱ درصد رساند و رشد این نرخ هنوز ادامه دارد. تا قبل از اصلاحات ارضی، ایران کشوری

گرفته‌اند. به گونه‌ای که زیست عشایری و روستایی در زیست شهری مستحیل شده است. مرزهایی که در گذشته میان این سه نوع زیست وجود داشته برچیده و نفوذ زیست شهری بر زیست‌های دیگر بیشتر شده است.

انسان‌شناسی شهری با مطالعه دقیق می‌تواند، استمرار زیست عشایری و روستایی را در زمینه شهری مورد مطالعه قرار دهد و به این پرسش پاسخ دهد که آیا شهرهای ایران به جوامع شهری واقعی مبدل شده‌اند؟ یا در شهرهای ایران مجموعه‌ای از زیست‌های عشایری و قومی روستایی وجود دارند که در کنش عمومی مشارکت ندارند و بر ساخت کلی شهر تأثیر می‌گذارند؟ در واقع آیا انسجام شهری ایرانی وجود دارد یا قبیله و روستا و نظام موروثی پنهان در داخل شهر ادامه داشته و بر مفهوم جامعه شهری غلبه دارد؟ از طرف دیگر تأثیر زیست شهری بر زیست‌های دیگر چگونه بوده و این تأثیر چه تغییراتی را در ساختار اجتماعی فرهنگی زیست عشایری و روستایی گذاشته است؟ به طور کلی اختلال در سه شکل زیستی در ایران در چند دهه اخیر پی‌آمدها و نتایجی به همراه داشته که شناخت این مسایل می‌تواند نقش عمده‌ای در درک خصوصیات و اشکال فرهنگی جامعه ایرانی و تغییرات به وجود آمده داشته باشد. انسان‌شناسی شهری با مطالعه در این زمینه می‌تواند چگونگی سازگاری مردم را در شهر با پس‌زمینه‌های روستایی و عشایری نمایان سازد.

ب - گسست شهر قدیم / شهر جدید

این موضوع می‌تواند یکی از دلایل دیگر اهمیت مطالعات انسان‌شناسی شهری در ایران باشد شهرها که در گذشته دارای طرح و بافت فرهنگی - اجتماعی خاصی بودند. در این شهرها روابط و کنش‌های اجتماعی و

روابط اجتماعی و به‌طور کلی در ساخت بی‌آمدهای مهاجرت، الگوهای اسکان مهاجران - مثلاً زاغه‌نشینی، حاشیه‌نشینی، کپرنشینی - و وضعیت آن‌ها در شهرها داشته است؟ واز این راه احتمالاً بتواند به نتایج مفیدی از این واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی مدرن دست یابد.

ت - کربولی شدن فرهنگ

دلیل دیگری که مطالعات انسان‌شناسی شهری می‌تواند در ایران اهمیت داشته باشد، کربولی شدن فرهنگ شهری در شهرهای ایران است. مفهوم کربول در زبان‌شناسی و فرهنگ‌شناسی به کار می‌رود. زبان یا فرهنگ کربول پدیده‌ای است که به صورت یک زبان کاملاً تحول یافته با یک رشته قواعد کامل و واژگان وسیع تکامل یافته باشد. (پسلاک، ۱۳۷۵) به عبارت دیگر، زبان یا فرهنگ کربول به پدیده‌ای می‌گویند که از ترکیب دو زبان یا فرهنگ مختلف پدید آمده باشد این مفهوم را می‌توان در فرهنگ‌های شهری نیز مشاهده کرد. اکثر شهرهای ایران دارای فرهنگ شهری خالص و ناب گذشته نیستند. با ورود به عرصه مدرن و تحولات گسترده در ایران و تأثیر مدرنیته بر فرهنگ شهری، اکثر شهرهای ایران در واقع دارای آمیزه‌ای از نفوذ فرهنگ بیرون و سنت‌های محلی، به عبارت دیگر همان فرهنگ کربول شده هستند.

دامنه زندگی مردم اکثر شهرهای ایران از حدود و حصار خود شهرها و ایران فراتر رفته است. در اکثر شهرها، می‌توان به پیوستارهای فرهنگی^۸ برخورد کرد که یک سوی آن مربوط به کلان شهرهای اروپایی و آمریکایی (عناصر مدرنیته) و سوی دیگر آن به فرهنگ ملی و

روستایی - عشایری بود و اکثر مردم در جوامع روستایی یا عشایری زندگی می‌کردند، اما با پیدایش دولت مدرن و سیاست تخته‌قاپو کردن و مصرفی شدن جامعه ایرانی به دلیل پیدایش دلارهای نفتی و افزایش خدمات پس از اصلاحات ارضی درصد شهرنشینی روند رو به افزایش داشت و اکثر مردم را در خود جای داده است. (حسامیان، ۱۳۷۷، مک کی ۱۳۸۰)

در چند دهه اخیر، در برخی از شهرها میزان رشد مسئله‌ساز بوده است. حرکت از روستا و اجتماعات کوچک به جامعه شهری با ابعاد بزرگ تغییرات عمده و گسترده‌ای در شیوه زندگی شهری و الگوی کنشی و روابط اجتماعی و هم‌چنین در سنت‌های فرهنگی از یک زمینه روستایی - ایلی به زمینه شهری به وجود آمده است. با توجه به روستایی و ایلی بودن بسیاری از مردم شهرهای ایران و سکونت آن‌ها در شهرها یکی از مسائلی که می‌توان به آن توجه کرد، گسست یا عدم رابطه میان فرهنگ و سرزمین است. به این معنی که آیا مرزهای جغرافیایی مشخص برای فرد شهری با زمینه فرهنگی روستایی گسسته شده یا ادامه دارد؟ با توجه به شرایط اجتماعی مدرن و شهری شدن اکثر مردم ایران در شهرها، افراد از فضاهای فرهنگی و جغرافیایی خود کنده و به مکان جغرافیایی و فرهنگی جدیدی با خصوصیات و ویژگی‌های نو پرتاب شده‌اند. این فرایند که در اکثر شهرهای ایران دیده می‌شود و دارای نتایج و بی‌آمدهای روان‌شناختی، اجتماعی، فرهنگی فراوانی بوده است. در واقع، انسان‌شناسی شهری سعی دارد در بحث مهاجرت به عوامل دفع و جذب آن بپردازد. هم‌چنین سعی دارد این موضوع را روشن سازد، آیا زمینه‌های روستایی، ایلی در زمینه‌های شهری استقرار دارد یا نه؟ این استقرار در چه زمینه‌هایی است؟ چه تأثیری بر

⁸ cultural continuum

همان‌گونه که در بحث مربوط به موضوعات انسان‌شناسی شهری ذکر شد، انسان‌شناسی شهری بخشی از مطالعات خود را بر روی شکل‌گیری جماعت‌های ویژه در بعضی محله‌هایی که جداسازی قومی در آن‌ها اتفاق افتاده متمرکز می‌کند ایران نیز مجموعه‌ای نامتجانس از گروه‌های قومی و انسانی مختلف است. در واقع، مجموعه ناهمگونی از اقوام و ملیت‌های مختلف نژادی، زبانی، مذهبی، فرهنگی است. (القایی، ۱۳۷۸ و احمدی ۱۳۷۸). این تنوع تا قبل از مدرن شدن ایران در مرزهای اقلیمی و جغرافیایی خود محدود بود و اختلاط و هم‌جواری^{۱۱} در آن مشاهده نمی‌شد. اما با مدرن‌شدن جامعه ایرانی و اهمیت شهرنشینی و افزایش درصد شهرنشینی سریع و انفجار جمعیتی شهرها به دلیل مهاجرت بی‌رویه روستائیان و عشایر و گروه‌های قومی به شهرها پدیده‌ای را به وجود آورد که می‌توان، از آن به نام هم‌جواری^{۱۲} و همسایگی گروه‌های قومی در شهرها نام برد. ترکیب ساختار شهرهای ایران نه تنها از همین رویکرد تنوع قومی برخوردار شده، بلکه در برخی موارد هر گروه قومی مشاغل ویژه‌ای را برگزیده و محله‌ای را چه برای سکونت و چه به عنوان محل اشتغال، اشغال کرده‌اند. این جداسازی قومی و شغلی، مسایلی هم‌چون محله‌بندی‌ها و تأثیر آن بر بسافت شهری، هویت‌یابی، خاص‌گرایی شهری و بسیاری از مسایل دیگر را به دنبال داشته که هریک می‌تواند در انسان‌شناسی مورد مطالعه قرار گیرد. به طور کلی پدیده قومیت و هم‌جواری در اکثر شهرهای ایران اهمیت بسیار داشته و جای بررسی و مطالعه فراوانی دارد.

سنت محلی مربوط می‌شود. در اکثر شهرهای ایران دیگر فرهنگ ناب شهری مفهومی نیست که بتوان آن را در محدوده همان شهر مشاهده کرد. در این‌جا باید توجه داشت که مفهوم کریولی‌شدن فرهنگ‌های شهری ایرانی مترادف با ترکیب پیوندی^۹ یا التقاطی‌شدن فرهنگ‌ها نیست، بلکه دقیقاً به این معنا است که از ترکیب دو یا چند فرهنگ متفاوت، فرهنگ جدیدی پدید آمده که مانند زبان کریول جای خود را پیدا می‌کند و عمق تاریخی می‌یابد.

بنابراین، انسان‌شناسی شهری در حوزه شهرهای ایران می‌تواند به چگونگی جذب و پذیرش فرهنگ جهانی^{۱۰} در فرهنگ محلی و به وجود آمدن شیوه خاصی از زندگی اجتماعی فرهنگی در شهرهای ایران بپردازد. به بیان دیگر کریولی‌شدن فرهنگ شهرهای ایران در همه جا و در همه وقت یک گونه و یکسان نیست. بنابراین انسان‌شناسی شهری می‌تواند این نایک‌سان و ناهم‌گون شدن فرهنگ شهرهای ایران را نمایان سازد. دلیل این امر پراکندگی شهرهای ایران با زمینه‌های فرهنگی قومی و گونه‌شناسی‌های متنوع است که کریولی‌شدن فرهنگی متنوع و منحصر به فرد خود را به وجود می‌آورد.

ث - تعدد و تنوع قومی

از موضوعات دیگر مورد مطالعه در انسان‌شناسی شهری که می‌تواند توجه اکثر انسان‌شناسان شهری را جلب کند و در ادبیات این رشته حضور برجسته‌ای دارد، تنوع قومی در شهرها است. این رشته در ادبیات حضور برجسته‌ای دارد.

⁹ hybridity

¹⁰ global culture

¹¹ proxemic

علاوه بر موضوعاتی که در زمینه اهمیت انسان‌شناسی شهری در مورد شهرهای ایران ذکر شد، موضوعات متنوع دیگری چون: خانواده و خویشاوندی در شهر، جرم و بزه‌کاری شهری، خرده فرهنگ‌های شهری، عمل‌کرد نهادها و سازمان‌های شهری و نحوه ارتباط مردم با آنها در شهرهای ایران وجود دارد که هر یک می‌توانند به عنوان دست‌مایه‌ای برای مطالعه و بررسی قرار گیرند.

منابع:

- احمدی، حمید، ۱۳۷۸، قومیت و قوم‌گرایی در ایران، تهران، نشرنی.
- الطلابی، علی، ۱۳۷۸، در بحران هویت قومی ایران، نشر شادگان.
- بیتس، دانیل، پلاک، فرد، ۱۳۷۵، انسان‌شناسی فرهنگی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- حبیبی، محسن، ۱۳۷۸، از شار تا شهر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- حسامیان، فرخ و دیگران، ۱۳۷۷، شهر نشینی در ایران، تهران، آگاه.
- مک‌کسی، سس، انبیرا، ۱۳۸۰، ایرانی‌ها (ایران، اسلام، روح بک‌ملت)، ترجمه شیوا رویگریان، هران، ققنوس.